



مردی که در باران آمد...

شهین جعفر علی جعفری

بر اساس روایات و خاطرات

گردآورنده: زینب جعفری

سرشناسه: جعفری، زینب، ۱۳۶۸ -

عنوان و نام پدیدآور: مردی که در باران آمد: شهید جعفرعلی جعفری بر اساس روایات و خاطرات / زینب جعفری؛ [برای اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان ایلام.

مشخصات نشر: ایلام: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ایلام): سپاه امیرالمؤمنین (ع)، انتشارات سوره‌های عشق، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص: بخشی مصور.

شابک: ۶۰۰۰ ریال: ۲- ۶- ۹۸۷۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

موضوع: جعفری، جعفرعلی، ۱۳۲۷-۱۳۶۰.

نوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشت‌نامه.

ع: Iran-Iraq war, ۱۹۸۰-۱۹۸۸-- Martyrs-- Biography

حناسه: رده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان ایلام.

ن: رده افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ایلام)، سپاه امیرالمؤمنین (ع)، انتشارات سوره‌های عشق

رده‌بندی کنگره: ۱۳۷ ج ۷۳ / ۱۶۲۶ DSR

رده‌بندی دی: ۹۲۰ / ۹۵۵

شماره کتاب شناسه: ۵۱۲۹۳۲۲ ی

مردی که در باران آمد (شهید جعفرعلی جعفری بر اساس روایات و خاطرات)

نویسنده: زینب جعفری

ویراستار: نبی‌اله تبار

طراح جلد: قدرت ملکی

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ جلد

شابک: ۶- ۶- ۹۸۷۸-۶۰۰-۹۷۸

ناشر: انتشارات سوره‌های عشق

مرکز پخش: ایلام، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال



انتشارات
سوره‌های
عشق



اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
استان ایلام

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	زندگی‌نامه
۱۳	خدمت به خانواده
۱۵	کُنگ معروف
۱۷	خانه‌ی شریکی
۱۹	وفاداری
۲۰	دیدار آخر
۲۱	صله‌ی رحم
۲۳	ایثار
۲۵	از خودگذشتگی
۲۹	کمک به دیگران
۳۱	نصیحت
۳۳	نیرومندی
۳۴	تبعیض قائل نمی‌شد
۳۵	صبوری
۳۶	جوانمردی
۳۹	مسئولیت‌پذیری
۴۱	عشق به مادر

۴۶	عشق به دعا
۴۷	نان حلال
۴۹	صداقت
۵۱	مکاشفه
۵۳	ماجرای نماز
۵۵	زنجیر بر دوش
۵۶	بگ افشین
۵۷	صله ملکی
۵۸	چهره‌ی نورانی
۶۱	خدا حافظی
۶۲	توشه‌ی آخر
۶۷	مرگ با افتخار
۷۱	وداع خواهرانه
۷۳	آن روز بارانی
۷۷	تصاویر

مقدمه

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الدِّينَ قَبُولًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمَوَانًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»

مرگ واقعیته است انکارپذیر که همه، روزی با آن مواجه خواهند شد و شهادت انتخابی است. آگاهانه اما بر پایه‌ی عشق به محبوب؛ انتخابی که از همان لحظه‌ای که انسان خدا را ناظر بر اعمال خود می‌یابد و به جهاد با نفس می‌رود شکل می‌گیرد و خداوند تاج بندگی خود را بر سر چنین انسانی می‌گذارد و او را برای سعادت‌مندانه‌ترین مقام برمی‌گزیند. در حقیقت، شهدا مصداق «تُعَزَّى مَنْ تَشَاءُ» خداوند می‌شوند. چه بسیار افرادی که در راه خداوند گام برداشتند و همچون مولا و مقتدایشان مرگ را راه او را از عسل شیرین‌تر دانستند. وظیفه‌ی ما به عنوان کسانی که دستی بر قلم داریم، معرفی و شناساندن این بزرگان به نسل امروز و فردا است. بزرگانی که از جان شیرین خود در راه اسلام و انقلاب

گذشتند. آن بزرگ‌مردان و شیرزنانی که افسانه نبودند و خدا می‌داند که انسان‌هایی از جنس خودمان بودند اما دل‌هایشان در عالمی دیگر سیر می‌کرد.

و آنگاه که خود به عنوان نویسنده و پژوهشگر از نسلی باشی که فقط شنیده‌هایی از جنگ و از شهدا، ذهن و دلت را به خود مشغول بدارد، مسئولیتت دو چندان می‌شود. مسئولیت شناساندن نسلی به نسل دیگر، یعنی گام برداشتن در راه بصیرت‌افزایی.

میدانست که در این راه پیروزمندانه قدم برداریم. انگیزه‌ی من به عنوان سردار رزمی این اثر در درجه‌ی نخست گام برداشتن در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری در جهت بصیرت‌افزایی در میان جوانان و نسل امروز است، چرا که شهدا الگوهایی بی‌نظیر از رشادت و جوانمردی هستند. وقتی خداوند در کلام خود می‌فرماید: «کسانی را که در راه خداوند کشته شدند مرده مپندارید، بلکه زنده‌اند و نزد خداوند روزی می‌گیرند» باید دانست که شهدا نوری از انوار هدایت معنوی «... به به هستند» و هنوز هم می‌توان با زنده نگه داشتن نام و یادشان «... ی بسیاری را از مسیر غلط برگرداند و در صراط مستقیم وارد کرد». بنده بر خود واجب دانستم که در این راه به معرفی بزرگ‌مردانی از مفاصل دور افتاده و غریب که هم در جهاد اکبر و هم در جهاد اصغر پیروز و سربلند بودند بپردازم. من به عنوان برادرزاده‌ی شهید جعفری از کودکی شنیده‌های بسیاری از اخلاق و منش عمویی که هیچ‌وقت

سعادت دیدارش را نداشتم، در ذهن دارم. همیشه شاهد اشک‌هایی بودم که بعد از آمدن نام شهید جعفری بر گونه‌های اطرافیان نقش می‌بست و این اشک‌ها که حکایت از عمق علاقه و جایگاهی رفیع در قلب‌ها داشت مرا نسبت به شناخت بیش‌تر این مرد خدایی کنجکاوتر می‌کرد. از آن زمان که کودکی بیش نبودم دغدغه‌ی این شناخت در من وجود داشت و صدایی که همیشه می‌را به نوشتن، دانستن و علم‌آموزی تشویق می‌کرد (صدای پدرم)، این انگاره را در من تقویت کرد. با گذشت زمان و مرگ پدر و بسیاری از بزرگان و عزیزانی که اگر بودند در شناخت ابعاد مختلف شخصیت شهید می‌توانستند کمک شایانی داشته باشند، کار دشوارتر شد چرا که پرسش‌هایی از دوران کودکی شهید بی‌پاسخ ماند. بنابراین انجمنی دیگر من از گردآوری این اثر علاوه بر بصیرت‌افزایی، ادای دین نسبت به عمویی است که نام و یادش سند افتخاری برای ما است. و همچنین استناد به نظرات عزیزانی است که در حال حاضر در میانمان زندگی می‌کنند که خداوند طول عمر با عزت به آن‌ها عطا کند. و در پایان از تمام عزیزانی که باعث شدم با یادآوری خاطرات گذشته، اشکی بر گونه‌هایشان جاری شود عذرخواهی می‌کنم.

زینب جعفری ۱۳۹۶/۱۱/۳